

۱ ویژگی‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) را بنویسید.

۲ توانمندی‌های کسی که دانش علمی دارد را بنویسید. (ذکر یک مورد)

۳ دانش علمی چگونه شکل می‌گیرد؟

۴ هر عبارت به کدام مفهوم اشاره دارد؟
الف) راهنمای زندگی هر فرد، گروه، قوم و جامعه که راهنمای زندگی آن‌ها است. (.....)
ب) دانش لازم برای زندگی را در اختیار ما قرار می‌دهد. (.....)

۵ دانش علمی چگونه شکل می‌گیرد؟

۶ هر عبارت به کدام مفهوم اشاره دارد؟
الف) راهنمای زندگی هر فرد، گروه، قوم و جامعه که راهنمای زندگی آن‌ها است. (.....)
ب) دانش لازم برای زندگی را در اختیار ما قرار می‌دهد. (.....)

۷ یک مورد از ویژگی‌های علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) را بنویسید.

۸ چرا گاهی بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگر رها می‌شود؟

۹ دو مورد از پیامدهای تعارض در ذخیره دانشی جوامع را بنویسید.

۱۰ کسی که دانش علمی دارد به کدام توانمندی‌ها دست می‌یابد؟ یک مورد را بنویسید.

۱۱ هر عبارت به کدام نوع جهان و دانش اشاره می‌کند؟
الف) دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد. (.....)
ب) بروز مسائل و مشکلات در یک جامعه می‌تواند زمینه‌ی پیدایش و رشد آن‌را فراهم کند. (.....)

۱۲ تعارض‌های میان دانش عمومی و دانش علمی در یک جهان اجتماعی چگونه حل می‌شود؟



۱۳

هر عبارت به کدام نوع دانش و جهان اشاره دارد؟
 الف) در زندگی اجتماعی مانند هوا برای انسان است. (.....)
 ب) براساس هویت دنیوی خود فقط علوم تجربی را علم می‌دانست. (.....)

۱۴

در یک جهان اجتماعی دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخش دیگر، نتیجه چیست؟

۱۵

گاهی در جامعه میان دانش عمومی و دانش علمی تعارض‌هایی پدید می‌آید، حل این تعارض‌ها چگونه انجام می‌شود؟
 (ذکر یک مورد)

در جدول زیر سه دیدگاه درباره‌ی رابطه‌ی دانش عمومی و دانش علمی تشریح شده‌اند. با مطالعه و بررسی آن‌ها بگویید کتاب از کدام دیدگاه دفاع می‌کند؟

	<p>در این دیدگاه تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.</p>
	<p>در تقابل با رویکرد اول این تفکیک را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها نه کشف و بازخوانی واقعیت بلکه بازسازی واقعیت هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.</p>
	<p>در این دیدگاه دانش عمومی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. دانش عمومی نیز دانش غیرموثق و نامعتبر نیست، بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیش‌تری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند. بر یک‌دیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند. از این رو هر دانش علمی، با هر دانش عمومی سازگار نیست.</p>

۱۷ نمونه‌هایی از دانش عمومی که ویژه منطقه زندگی شماست مثال بزنید و درباره‌ی اهمیت آن گفت‌وگو کنید.

۱۸ به نظر شما یادگیری دانش عمومی از کدام مرحله‌ی زندگی انسان شروع می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

۱۹ اگر رویکرد علمی جهان متجدد به جوامع دیگری که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند؛ سرایت کند، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۲۰ جهان متجدد، علم را چگونه تعریف می‌کند؟ این تعریف بر مبنای کدام هویت است؟

۲۱ جهان‌های اجتماعی مختلف؛ براساس کدام ملاک، دانش علمی را تعریف می‌کنند؟

۲۲ تعارض بین دانش عمومی و دانش علمی چگونه در جامعه حل می‌شود؟

۲۳ در برخورد با مسائل زندگی اجتماعی چه تفاوتی بین دانش عمومی و علمی وجود دارد؟

۲۴ چند نمونه از مسایلی که انسان در زندگی اجتماعی با آن مواجه می‌شود را نام ببرید.

۲۵ دانش علمی چگونه شکل می‌گیرد؟ یک مثال ذکر کنید.

۲۶ تلاش‌های علمی چه تأثیری بر دانش علمی و عمومی جامعه می‌گذارد؟

۲۷ دانش علمی چه تأثیری بر شناخت عمومی دارد؟

۲۸ چگونه می‌توان تفاوت دانش عمومی و علمی را در مورد پدیده اجتماعی زبان درک کرد؟

۲۹ یک پدیده اجتماعی مثال بزنید که در مورد آن هم دانش عمومی و هم دانش علمی وجود دارد.

۳۰ عمیق‌ترین و دقیق‌ترین بخش ذخیره دانشی، کدام دانش است؟

۳۱ دانش علمی چیست؟

۳۲ ذخیره دانشی بشر چند بخش دارد؟

۳۳ چرا دانش عمومی را به هوا برای انسان تشبیه می‌کنند؟

۳۴ کدام نوع دانش است که درباره آن کم‌تر می‌اندیشیم و بیش‌تر از آن استفاده می‌کنیم؟

۳۵ ما درباره کم‌تر می‌اندیشیم؛ بیش‌تر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.

۳۶ گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ما کدام است؟

۳۷ انسان‌هایی که در جامعه زندگی می‌کنند از چه مزیتی برای کسب دانش موردنیاز برخوردارند؟

۳۸ فردی که تنها و بیرون از جامعه زندگی کند، چگونه بر ذخیره دانشی خود می‌افزاید؟

۳۹ فردی که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند، با چه مشکلی مواجه خواهد شد؟

۴۰ دانش عمومی را تعریف کنید.

۴۱ دانش و آگاهی نسبت به کنش‌های انسانی چگونه به دست می‌آید؟

۴۲ اگر آگاهی و دانش نسبت به کنش وجود نداشته باشد چه تأثیری بر زندگی اجتماعی دارد؟

۴۳ کدام عامل باعث می‌شود آگاهی موجود در کنش‌هایی نظیر راه رفتن، غذا خوردن و ... از نظر ما پنهان شود؟

۴۴ یک مثال ذکر کنید که نشان دهد افراد چگونه به آگاهی خود نسبت به کنش‌هایشان پی می‌برند؟

۴۵ چه ارتباطی بین مفاهیم کنش و آگاهی وجود دارد؟

۴۶ منظور از ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی چیست؟

۴۷ کدام توانایی راه تفکر و تعقل را برای فهم جهان هستی به روی انسان می‌گشاید؟

۴۸ کدام شیوه شناخت است که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی ممکن شده است؟

انسان با چه شیوه‌هایی قادر به شناخت جهان است؟

۴۹

جهان متجدد براساس رویکرد دنیوی خود، فقط کدام علم را دانش علمی می‌داند؟

۵۰

جای خالی را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.
کنش آدمی وابسته به است و بدون آن انجام نمی‌شود.

۵۱

به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.
جهان متجدد کدام علوم را علم محسوب نمی‌کرد؟

۵۲

- ۱ دانشی که هم‌سو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد. هم‌چنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد. (ص ۷)
- ۲ به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی می‌رسد - آسیب‌ها و اشکالات را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند - قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند. (ذکر یک مورد کافی است). (ص ۵)
- ۳ دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. (ص ۵)
- ۴ الف) ذخیره دانشی (ص ۳) ب) جهان اجتماعی (ص ۴)
- ۵ دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. (ص ۵)
- ۶ الف) ذخیره دانشی (ص ۳) ب) جهان اجتماعی (ص ۴)
- ۷ هم‌سو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد.
دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط را داشته باشد. (ذکر یک مورد) (ص ۷)
- ۸ زیرا گاهی میان دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی، تعارض‌هایی پدید می‌آید که اعضای جهان اجتماعی بخشی از ذخیره دانشی را به نفع بخش دیگر رها می‌کند. (ص ۶)
- ۹ در چنین شرایطی ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود - دانش عمومی به طور همه جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند - دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد. (ذکر دو مورد) (ص ۶)
- ۱۰ یک مورد از موارد: به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد و آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده‌اند شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند. (ص ۵)
- ۱۱ الف) جهان اجتماعی (ص ۴) ب) دانش علمی (ص ۵)
- ۱۲ گاهی با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید
- ۱۳ الف) دانش عمومی ب) جهان متجدد
- ۱۴ تعارض‌های میان دانش عمومی و دانش علمی (ص ۶)
- ۱۵ گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود. (ذکر یک مورد) (ص ۶)

۱۶

قسمت ۱) تکیه بر علم تجربی - روش تجربی تنها راه کسب علم

قسمت ۲) تکیه بر دانش عمومی - همه دانش‌ها، دانش حاصل از زندگی است.

قسمت ۳) تکیه بر دانش تجربی، دانش عقلانی و وحیانی - رابطه متقابل دانش عمومی و دانش علمی

۱۷

پاسخ به عهده دانش‌آموز

۱۸

از بدو تولد آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارد.

۱۹

در ذخیره دانشی آن جوامع، تعارضاتی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

۲۰

فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کرد - براساس هویت دنیوی خود.

۲۱

هویت فرهنگی خود

۲۲

حل تعارض‌ها گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود.

۲۳

همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند مشکلات انسان در زندگی اجتماعی را می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.

۲۴

مسائلی مانند ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و ...

۲۵

دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله‌ی خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت‌شناسی را فراهم کند.

۲۶

تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.

۲۷

کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.

۲۸

با مقایسه دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان زبان فارسی

۲۹

زبان

۳۰

دانش علمی

۳۱ آن بخش از ذخیره دانشی است که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید و از آن عمیق‌تر و دقیق‌تر است.

۳۲ دو بخش: دانش عمومی و دانش علمی

۳۳ انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می‌شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

۳۴ دانش عمومی

۳۵ ما درباره دانش عمومی کم‌تر می‌اندیشیم؛ بیش‌تر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یک‌دیگر آن‌را به کار می‌بریم.

۳۶ دانش عمومی

۳۷ از آن‌جا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی، یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۳۸ او مجبور است پیش از انجام دادن هرکاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام آن به دست آورد و بتواند آن‌را انجام دهد. در صورتی‌که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن آن از همان دانش قبلی استفاده می‌کند، پس در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های دیگر بیندیشد و راه انجام آن‌ها را بیابد. بدین ترتیب به سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می‌شود.

۳۹ این فرد در موقعیت‌هایی که از آن‌ها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد، زندگی‌اش بسیار پرزحمت می‌شود.

۴۰ ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع دانش را دانش عمومی می‌نامند.

۴۱ این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است.

۴۲ زندگی اجتماعی مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد.

۴۳ عامل عادت کردن (تکرار کنش تا جایی که به یک عادت تبدیل شود)

۴۴ فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیش‌تر می‌شود. پیش از انجام دادن هرکاری فکر می‌کنید. حتی به این‌که چگونه راه برید، چه وقت و چگونه حرف بزنید و چه بگویید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. در این موقعیت متوجه می‌شوید که در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است.

۴۵ کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که درباره‌ی کنش‌های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

۴۶ هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آن‌ها است.

۴۷ پرسش و پاسخ از دیگران

۴۸ تفکر و تعقل

۴۹ الف) از راه حس: آدمی از همان ابتدای تولد صداها را می‌شنود. کم‌کم چشم باز می‌کند، اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیاء و افراد را از هم تشخیص می‌دهد.

ب) از راه زبان (پرسش و پاسخ از دیگران): بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود، سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاه شدن او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد. تا قبل از این‌که بتواند سخن بگوید، از راه حس (شنیدن، دیدن و ...) می‌فهمید؛ اما وقتی زبان می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش‌رویش باز می‌شود. از آن پس به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پ) از راه تفکر و تعقل: پرسش و پاسخ از دیگران، باز هم راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید. راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است. انسان با تفکر و تعقل، از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.

۵۰ علوم تجربی (ص ۶) (۰/۵)

۵۱ آگاهی (ص ۳) (۰/۵)

۵۲ علوم عقلانی و علوم وحیانی (ص ۶) (۰/۵)